

سنجش میزان موفقیت طرح مرکز محله آخوند شهر قزوین در ارتقای سطح امنیت محله، با استناد به رویکرد CPTED

فرزانه سلیمی^۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره).
لاله قائمی - دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره).
نجمه عادل - دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.
رویا اقبال مقدم - دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره).

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۷/۲۴

چکیده

امنیت از اساسی‌ترین نیازهای جامعه بشری برای زندگی اجتماعی در عرصه‌های همگانی می‌باشد. نیاز به امنیت، در دومین پله از سلسله مراتب هرم مازلو قرار گرفته و پس از نیازهای فیزیولوژیکی، مهم‌ترین نیاز انسان برای دستیابی به مراتب بالای انسانی یا همان خودشکوفایی می‌باشد. حضور مؤثر و مداوم انسان در فضا نیازمند وجود امنیت است. بدون امنیت فضاهای شهری به فضاهایی سرد و بی روح و رعب‌آور تبدیل خواهند شد. رویکرد CPTED یکی از رویکردهای متأخر در افزایش امنیت در فضا است. این رویکرد، روشی برای افزایش امنیت در فضاهای شهری از طریق طراحی مناسب محیطی پیشنهاد می‌دهد که در نتیجه آن مردم می‌توانند به شکلی مؤثر و با آسایش خاطر در فضاهای شهری حضور پیدا کنند. مرکز محله آخوند یکی از مهم‌ترین فضاهای شهری بافت قدیم قزوین و نماد هویت اجتماعی و فرهنگی و همچنین عرصه‌ای برای بروز تعاملات اجتماعی ساکنان این محله با محله‌های مجاور بوده است که در سال ۱۳۸۴ طرحی برای بازنده سازی آن ارائه شد و در سال ۱۳۸۷ مورد بهره‌برداری قرار گرفت. پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا میزان امنیت مرکز محله آخوند را از طریق اصول رویکرد CPTED، مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد. برای سنجش میزان امنیت فضای یاد شده، روش تحقیق تطبیقی-توصیفی به کار گرفته شده که با استناد به اصول رویکرد CPTED و همچنین از طریق مشاهدات میدانی انجام می‌گیرد تا بدین طریق مشخص گردد، طراحی مرکز محله آخوند تا چه حد به راهبردهای CPTED در برقراری امنیت نزدیک است. نتایج پژوهش انجام شده نشان می‌دهد که طرح احیای مرکز محله آخوند به لحاظ تأمین امنیت بسیار ضعیف بوده و در بیشتر موارد در تغایر با اصول CPTED قرار دارد. بررسی‌های انجام شده حاکی از آن است که اصل نظارت طبیعی که یکی از اصول رویکرد یاد شده در برقراری امنیت است، به هیچ طریقی در بازطراحی محله در نظر گرفته نشده است. در انتهای مقاله راهکارهایی برای افزایش امنیت مرکز محله ارائه شده است که از میان آنها می‌توان به قرارگیری کاربری‌های متناسب با فضای مرکز محله، جاذب جمعیت، فعال در شب و مختلط در مرکز محله و... اشاره کرد.

واژگان کلیدی: فضای شهری، مرکز محله، CPTED، امنیت.

۲۷

شماره

بیست و یکم

زمستان ۱۳۹۵

فصلنامه

علمی-پژوهشی

مطالعات

شهری

سنجش میزان موفقیت طرح مرکز محله آخوند شهر قزوین در

ارتقای سطح امنیت محله، با استناد به رویکرد CPTED

۱. مقدمه

مرکز محله‌ها، همواره یکی از مهمترین مکان‌های تعاملات اجتماعی در طول تاریخ ایران زمین بوده است. مرکز محله بستر دیدارها و روابطی است که در طول زمان و با نشأت گرفتن از هویت مشترک ساکنان، قلب تپنده محله می‌شود. می‌توان گفت که غالباً افراد، محله خود را از طریق مرکز محله‌شان به یاد می‌آورند و آن را پرننگ‌ترین نقطه محله خود می‌دانند.

محله آخوند از قدیمی‌ترین محلات شهر قزوین است که شکل‌گیری آن به دوران صفویه بر می‌گردد. این محله در حال حاضر منتظر ثبت جهانی به عنوان هسته تاریخی قزوین است. طراحی و مطالعه پروژه ساماندهی و کف‌سازی مرکز محله آخوند با هدف احیا و باززنده‌سازی مرکز محله در سال ۱۳۸۴ آماده شد و عملیات اجرایی آن توسط شرکت پارت شهرآنی آغاز گردید و در سال ۱۳۸۷ با هدف بهبود سیما، منظر شهری و بهبود عبور و مرور شهری مورد بهره‌برداری قرار گرفت (Qazvin renovation & reformer organization, 2012).

امنیت یکی از اساسی‌ترین نیازهای جامعه بشری برای زندگی اجتماعی است. عدم وجود امنیت در فضاهای شهری سبب کاهش میزان حضورپذیری افراد در عرصه فضاهای عمومی می‌شود. در بررسی جغرافیایی جرائم (رفتار آنومیک) شهری، چند عامل کلیدی قانون، مجرم، قربانی جرم (شی و شخص)، مکان جرم و زمان جرم مورد توجه قرار می‌گیرد. در میان این عوامل کلیدی، نقش «مکان» به صورت متمایز، از حوزه برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت شهری قابل توجه است (Habibzadeh and et al, 2012: 127). ویژگی‌های محیطی بعضی از فضاهای شهری بر ارتقا یا کاهش فرصت‌های بزه در آن مکان تأثیر می‌گذارند؛ بدین معنا که با حذف و یا کاهش پتانسیل‌های محیطی وقوع جرم، احتمال رخداد جرم نیز کاهش پیدا می‌کند. تئوری‌های مرتبط با تأثیر عوامل محیط انسان‌ساخت در بروز رفتارهای نابهنجار و مجرمانه، به تئوری‌های پیشگیری از جرم مکان‌محور شهرت دارند. تئوری‌های مکان‌محور شامل رویکردهایی چون پیشگیری از جرم موقعیتی، پیشگیری از جرم توسط طراحی محیطی، امنیت از طریق طراحی و ... می‌شوند (Qaffari and et al. 2014: 4). رویکرد مورد توجه در این مقاله، رویکرد پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی محیطی است. عبارت CPTED نخستین بار در سال ۱۹۷۱ توسط جفری به کار برده شد. کار او بر اساس احکام روانشناسی تجربی و مبتنی بر این ایده بود که با حذف تقویت‌کننده‌های بروز جرم، جرم به وقوع نمی‌پیوندد (Ibid). رویکرد CPTED را می‌توان نوعی رویکرد هدفمند به منظور طراحی کارآمد و هوشمندانه مؤلفه‌های محیطی با به کارگیری بهینه محیط مصنوع در کاهش جرائم دانست که به طور مؤثری در افزایش سرمایه اجتماعی، بهبود کیفیت زندگی و افزایش میزان رضایتمندی شهروندی و در نتیجه بهبود رفاه اجتماعی جامعه تأثیر بسزایی دارد (pourjafar and et al, 2009: 74).

این مقاله بر آن است تا با خوانش طرح مرکز محله آخوند، میزان موفقیت طرح مزبور را به لحاظ امنیت که یکی از مهمترین عوامل

دخیل در مقبولیت یک فضا و حضور ساکنان در آن است، سنجیده و تحلیل نماید. روش سنجش تطبیقی-توصیفی و استناد به اصول مطرح در رویکرد CPTED می‌باشد. بر این اساس مرکز محله طراحی شده نام‌برده، با اصول مورد نظر CPTED مقایسه شده و در نهایت مشخص می‌گردد که آیا در این طراحی اصول فوق لحاظ شده است؟ در صورتی که این اصول رعایت نشده، راهکارهایی به منظور ارتقای محیط ارائه خواهد شد.

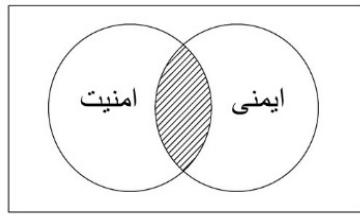
۲. ادبیات نظری

۲.۱. فضای شهری امن

انسان موجودی اجتماعی است و نیاز به برقراری ارتباط با سایر هموعان خود دارد. شهر می‌بایست محیطی برای گردهمایی شهروندان برای رفع این نیاز اساسی فراهم کند؛ که این یکی از موارد حق به شهر شهروندان برای زندگی در آن شهر می‌باشد. فضای شهری به باور اندیشمندان معماری و شهرسازی، فراتر از فضای کالبدی و مؤلفه‌های هندسی آن است (Soltani, 2010: 126). خلق فضای شهری مطلوب، پویا و سرزنده، به لحاظ کارکرد اجتماعی، روانی، فرهنگی، اقتصادی و محیطی-کالبدی آن، یکی از اهداف راهبردی ارتقای کیفیت محیط مصنوع شهری است و با راهبردهای اجتماعی پیوند دارد (Parsi, 2002: 47).

بر اساس سلسله مراتب پیشنهادی مازلو برای نیازها، دومین پله هرم، نیاز به ایمنی و امنیت می‌باشد. کمبود امنیت، در معرض خطر بودن و ترس از قربانی شدن، استفاده از قلمروی فضای عمومی و خلق فضاهای شهری موفق را مورد تهدید قرار می‌دهد. انسان اگر در فضایی که حضور می‌یابد احساس امنیت نداشته باشد، نمی‌تواند محیط را مال خود بداند؛ به زبانی دیگر به محیط احساس تعلق خاطر پیدا نخواهد کرد و نمی‌تواند مهر خود را بر محیط بزند. دلیل خالی بودن بسیاری از عرصه‌های اجتماعی ما معضل عدم امنیت است. حس اطمینان و امنیت پیش نیازی اساسی برای طراحی شهری موفق محسوب می‌شود.

مفهوم فضای شهری امن در مقابل مفهوم فضای شهری ناامن قرار دارد. ویژگی امن بودن فضا واجد دو مؤلفه است: الف) ایمنی و ب) امنیت. در مؤلفه ایمنی، اشاره به موارد و عوامل محیطی است که در صورت عدم تأمین شرایط مطلوب وقوع حوادث اجتناب ناپذیر است و خطرات به صورت بالقوه و بالفعل جان و مال حاضران، عابران و ناظران را تهدید خواهد نمود؛ مانند ایمنی در برابر آتش‌سوزی، آلودگی‌های زیست محیطی، حوادث رانندگی و حوادث غیرمترقبه. مؤلفه امنیت نیز اشاره به جرائم و رفتارهای آنومیکی علیه اشخاص و اموال آنها دارد که در صورت عدم تأمین شرایط پیشگیری‌کننده، اموال و جان حاضران، عابران و ناظران را به صورت بالقوه و بالفعل تهدید خواهد نمود؛ مانند جرائم علیه اشخاص (قتل، تجاوز و ...)، علیه اموال (سرقت، کیف‌چاپی و ...). فضای شهری امن قدر مسلم فضایی است که هم از نظر عینی و هم از نظر ذهنی امنیت و آسایش خاطر برای حاضران، عابران و ناظران به وجود آورد.



تصویر ۲: فضای شهری امن (فصل مشترک مؤلفه‌های ایمنی و امنیت)
- (مأخذ: Salehi, 1999: 112)



تصویر ۱: هرم مازلو - (مأخذ: www.wikipedia.org)

وجود دارد. این رویکرد در واقع، زمینه‌های اجتماعی، فیزیکی و روان‌شناختی ارتکاب جرم را شناسایی کرده و چهار نوع راهبردی برای کاهش فرصت ارتکاب جرم ارائه می‌دهد:

- ۱- افزایش امکان مشاهده جرم و جنایت،
- ۲- افزایش خطر ارتکاب جرم،
- ۳- کاهش منفعت‌های ارتکاب جرم و
- ۴- از بین بردن بهانه‌های ارتکاب جرم (Souri, 2010: 33).

متدهای تقلیل فرصت در حیطه ادبیات طراحی شهری است و شامل موضوعاتی چون عملکرد، نظارت، تعریف محدوده و کنترل محیط می‌شود. این اندیشه نخستین بار توسط جین جیکوبز (۱۹۶۱) عنوان شد و سپس با ایده‌های مربوط به طراحی فضاهای قابل دفاع نیومن و شیوه‌های برخورد طراحی فضاها با ایده تقلیل جنایت در آنها (CPTED) گسترش یافت. دیدگاه بیل هیلبر نیز در مورد جرم و جنایت و حفظ امنیت با ایده‌های جیکوبز پیوند می‌خورد (Carmona and et al, 2009: 244).

از دیگر اندیشمندانی که در این خصوص اظهار نظر نموده‌اند می‌توان آلین کولمن، تایلور و هال، سورکین، اک و تیسدل و لوکایتو سایدربیس و بنرچی را نام برد. آلین کولمن، پیشنهادهایی در راستای افزایش نظارت ساکنان و عدم امکان فرار مجرمان ارائه می‌دهد. تایلور و هال بر شیوه‌هایی در تأمین امنیت تأکید دارند که فضا را تحت کنترل ساکنان جلوه داده و از ورود افراد مزاحم جلوگیری نماید. از نظر سورکین، جدا کردن طبقات اجتماعی از یکدیگر می‌تواند در برقراری امنیت مفید واقع شود. اک و تیسدل بر موانع فیزیکی و حضور مردم و نظارت پلیس تأکید دارند و لوکایتو سایدربیس و بنرچی نیز دو نوع کنترل فضا که شامل کنترل فعال و کنترل غیرفعال می‌شود را مطرح می‌کنند.

در جدول ۱، نظرات این اندیشمندان که در خصوص ارائه متدهای تقلیل فرصت ارتکاب جرم فعالیت نموده‌اند، به طور خلاصه آورده شده و امکان مقایسه این نظریات فراهم آمده است.

یکی از مؤثرترین رویکردهای موجود در زمینه پیشگیری از جرائم شهری و کاهش میزان جرائم در فضاهای شهری، نظریه «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی» یا همان CPTED است. این نظریه نسبت به نظریات دیگر اندیشمندان متأخرتر بوده و می‌توان گفت از نظریات آنها بهره‌جسته و به نوعی تکامل یافته و اصول مناسبی را در پیشگیری از وقوع جرم و برقراری امنیت ارائه داده است که شرایطی را از طریق طراحی محیطی فراهم می‌کند که

در پژوهش حاضر، مؤلفه امنیت حائز اهمیت است. فضای شهری امن مستلزم تعاملات اجتماعی نیز هست. چنان‌که جین جیکوبز در سال ۱۹۶۱ گفت، آرامش و امنیت در شهرها صرفاً به وسیله پلیس تأمین نمی‌شود. بلکه آرامش و امنیت عمدتاً به وسیله ایجاد شبکه‌ای پیچیده و تقریباً ناخودآگاهی از نظارت‌ها و رعایت داوطلبانه هنجارها در میان خود مردم حفظ می‌شود و به وسیله خود مردم اجرا می‌گردد (Salehi, 1999: 107-113).

۲.۱.۱. رویکردهای نظری به امنیت در فضا

دو رویکرد عمده در جلوگیری از جرم و جنایت وجود دارد: نخست رویکرد غیرمکانی است که همراه با تغییر موقعیت، حذف یا کم کردن انگیزه افراد برای ارتکاب جرم است. این عمل از طریق آموزش، هدایت اخلاقی، وضع کردن جرائم و تنبیهات صورت می‌گیرد (Carmona and et al, 2009: 241). نظریه‌پردازان این رویکرد مانند ویلسون و ماری در زمینه‌های علوم انسانی تخصص داشته‌اند (Souri, 2010: 33). راه دوم، رویکرد مکانی است، به شکلی که تکنیک‌های خاصی به کار زده شود که ارتکاب جنایت را در مکان‌های خاص مشکل‌تر سازد (Carmona and et al, 2009: 241). نظریه‌پردازان این رویکرد راکسانی تشکیل می‌دهند که مانند وود، آنجل، نیومن و هیلبر در زمینه معماری و طراحی شهری فعالیت داشته و یا این که مانند جیکوبز بر اساس تجربیات خود در این زمینه اظهار نظر نموده‌اند (Souri, 2010: 33).

درباره این که چه راهی از همه مؤثرتر است، بحثی طولانی وجود دارد. بنا به تئوری، راهبرد تقلیل انگیزه برای حمله در ارجحیت قرار دارد. اما از آنجا که انجام این امر مشکل است، راهکارهای تقلیل فرصت برای ارتکاب جرم عملی‌تر به نظر می‌رسد. طراحی می‌تواند بر میزان ارتکاب جنایت اثر بگذارد یا دریافت ذهنی ما از مسئله امنیت را بالا ببرد. در عین حال می‌تواند برای ایجاد محیطی امن‌تر زمینه‌ساز باشد (Carmona and et al, 2009: 242).

توجه اصلی رویکرد مکانی به فرصت ارتکاب جرم است. همان‌طور که کلارک در کتاب خود توضیح می‌دهد، رویکرد پیشگیری از جرم مکانی به تغییرات محیطی می‌پردازد که موجبات کاهش فرصت ارتکاب جرم را فراهم سازد. بنابراین می‌توان گفت این رویکرد بیشتر بر زمینه ارتکاب جرم تأکید دارد تا عمل جرم. بر این اساس به نظر می‌رسد که لازم نیست دقیقاً آنچه موجب انگیزش افراد در جهت ارتکاب جرم می‌شود، شناسایی گردد، بلکه تنها کافی است تشخیص داده شود در برخی افراد انگیزه‌هایی برای ارتکاب جرم

جدول ۱: نگرش های مختلف به برقراری امنیت در فضا - Source: The authors based on Carmona (2009) and Salehi (1999)

پارامترهای مؤثر در امنیت و موارد مطرح شده مربوط به هرکدام			اندیشمندان و نظریه پردازان
فعالیت	نظارت	کنترل فضا/ قلمروگرایی	
-نیاز به پیاده رو برای پایش و حضور فعال مردم در آن.	- نیازمند به «چشمانی برفراز خیابان».	-مشخص نمودن سرحد بین فضای عمومی و خصوصی.	جین جیکوبز ^۱
-نپذیرفتن استدلال هایی که اکثر فعالیت ها را در خیابان داشته و وجود استفاده تجاری که ضرورتاً بزهکاری خیابانی را کاهش می دهد.	-طرفیت طراحی کالبدی برای ایجاد فرصت های نظارتی بر روی ساکنان و عوامل آنها.	-طرفیت محیط کالبدی برای ایجاد محل های درک شده مناطق از اثر قلمرو (شامل سازوکار علامت گذاری مرزها و تعریف یک سلسله مراتب که به سمت مناطق خصوصی شدت می یابد).	اسکار نیومن ^۲
-توزیع فعالیت ها و کاهش جابه جایی ها.	-نظارت طبیعی به عنوان نتیجه ای در استفاده روزمره از ملک.	-کنترل دسترسی طبیعی.	CPTED
-به طور پیوسته در حال کار و استفاده بودن فضاها.	-ایجاد نظارت توسط افرادی که در فضا حرکت می کنند	-راهبردهای طراحی کالبدی در توسعه مرزهای نمادین به منظور افزایش حس تعلق کاربران.	بیل هلیبر ^۳
-به عنوان مثال، علامت گذاری بهتر و یکپارچه تر آنها در خصوص سیستم جابه جایی).		-فضاهای مجتمع با دیگر فضاها، به منظور ترغیب افراد پیاده نسبت به مشاهده این فضاها و حرکت در آنها.	سورکین ^۴
-شیوه نمایشی یا حضور مردم از طریق فعالیت های جاذب.	-شیوه نظارت پلیس.	-شیوه های جداسازی طبقات اجتماعی از هم را پیشنهاد می کند.	اک و تیسدل ^۵
		-شیوه ایجاد قلعه و محصوریت، که شامل شیوه های احداث دیوار، مانع، دروازه، جدایی فیزیکی، خصوصی سازی، کنترل محدوده و حوزه و راهبردهای جداسازی است.	لوکایتو- سایدیریس و بنرجی ^۶
	-حضور و نظارت خود ساکنان.	-کنترل شدید (فعال) که مأموران امنیتی خصوصی را به کار می گیرد و اقداماتی از این دست.	الیزابت وود ^۷
-هدایت کردن عبور و مرور سردرگم در مسیرهای مشخص.		-کنترل نرم یا (غیرفعال) از طریق عدم تشویق عملکردهای ناخواسته.	اسکلامو آنجل ^۸
-تقسیم کردن مراکز تجاری در مناطقی که عبور و مرور توده مردم زیاد است.		-تجزیه راهروهای متداوم در جهت عدم امکان فرار.	آلیس کولمن ^۹
	-مخالفت با بلوک های آپارتمانی مسکونی مرتفع و عمومی.	-نظام اجاره داری مقامات محلی باید راه را برای سایر اشکال اجاره داری باز کند.	تایلور و هال ^{۱۰}
	-ایجاد شرایط کالبدی مناسب برای استفاده کنندگان از فضاهای شهری به منظور توانمند کردن آنان در مشاهده مجرمان و افراد.	-استفاده از موانع فیزیکی مثل دیوار و نرده یا بوته های گیاهی و قفل و رنگ به منظور جلوگیری از ورود افراد مشکوک.	

6 Banerjee and Loukaito-Sideris
7 Elizabeth wood
8 schlomo angel
9 Alice kolman
10 Tailor&hall

1 Jane Jacobs
2 Oscar Newman
3 Bill Hillier
4 sourkin
5 Steven Tiesdell

منجر به بهبود کیفیت فضا و افزایش حضور مردم در عرصه‌های عمومی شده، موجب تقویت همبستگی اجتماعی و حس تعلق می‌شود. از این رو اصول این رویکرد مبنای سنجش میزان امنیت مرکز محله آخوند در پژوهش حاضر قرار گرفته است.

۲.۲. رویکرد CPTED

در چارچوب مجموعه نظریه‌های CPTED تلاش زیادی برای فهم رابطه مکان و جرم به عمل آمده است. اندیشه‌های جفری و جیکوبز در شکل‌گیری و توسعه آن نقش بنیادی داشته است. CPTED یک پیشنهاد روش‌شناسی طراحی است که براساس آن با به کارگیری طراحی مناسب و هدفمند محیط انسان‌ساخت، معماران و شهرسازان می‌توانند مجال ترس از وقوع جرم و تبهکاری را کاهش داده و کیفیت زندگی را بهبود بخشند.

در واقع هدف نظریه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی، مشخص کردن شرایط کالبدی و محیط اجتماعی است که امکان و یا تسریع در ارتکاب جرم را فراهم می‌کند. همچنین هدف آن تغییر شرایط برای جلوگیری از اتفاق جرم است. از این نظر که هدف آن پیشگیری از ارتکاب عمل مجرمانه است. CPTED به طور معنی‌داری از راهبردهایی که توسط پلیس، دادگاه و نظام تربیتی دستگاه‌های قضایی به کار گرفته می‌شود، متفاوت است.

تعدادی از تغییرات و اصلاحات در اساس CPTED عرضه شده است. عموماً CPTED بر روی زمینه‌هایی که در آن جرم اتفاق می‌افتد و تکنیک‌هایی که آسیب‌پذیری محیط را کاهش می‌دهند، تأکید می‌کند. زیرا براساس نظریه ترکیب محیط کالبدی هم می‌تواند به ارتکاب جرم کمک کند و هم می‌تواند مانع از وقوع آن شود.

بر طبق نظریه هاگ، CPTED نظریه‌ای است برای طراحی یا مدیریت و یا دستکاری سریع محیطی که در آن جرم‌ها به طریقی سیستمی و به روش ثابت رخ می‌دهند. در حالی که CPTED عموماً درگیر تغییر محیط به گونه‌ای که امکان عمل مجرمانه کاهش یابد، است. هدف آن پیامدهایی چون کاهش ترس از جرم (افزایش احساس امنیت)، افزایش کیفیت زیبایی محیط، افزایش حس وفاداری به قانون در بین شهروندان، به ویژه کاهش رغبت محیط برای حمایت از اعمال مجرمانه است (Salehi, 1999: 122).

۲.۲.۱. اصول و راهبردهای رویکرد CPTED

رویکرد CPTED به منظور پیشگیری از جرم چهار راهبرد اساسی را مد نظر قرار می‌دهد که عبارتند از:

۱. قلمروگرایی: قلمروبندی با احساس مالکیت افراد نسبت به یک فضا مرتبط است. کاربست این مفهوم بدین صورت است که یک منطقه خاص را به گونه‌ای برای کاربران قانونی آن تغییر دهیم که احتمال پذیرش مالکیت آن مکان برای آنها بیشتر شود. این اقدام، احتمال حضور افرادی را که به این مکان، تعلق ندارند و قصد ارتکاب رفتارهای مجرمانه و آزار و اذیت را دارند، کم می‌کند.

۲. کنترل دسترسی: کنترل دسترسی بر کاهش فرصت دسترسی به هدف‌های جرم برای خلافکاران احتمالی و افزایش احساس خطر در آنها تمرکز دارد.

۳. تعمیر و نگهداری: کیفیت محیطی به مدیریت و نگهداری از یک

منطقه وابسته است. نگهداری مناسب از دارایی‌های یک مکان، نشان‌دهنده این مطلب است که مدیریت یا صاحبان اموال، مراقب آنها هستند و در برابر وقوع جرم از آنها دفاع می‌کنند.

۴. نظارت طبیعی: گماردن چشم‌های ناظر بر خیابان به ایجاد مکان غیرجذاب برای خلافکاران کمک کرده و از ایجاد مکان‌های جرم‌خیز جلوگیری می‌کند. هرگونه طراحی معماری که امکان دیده شدن یک خلافکار احتمالی را افزایش دهد، شکلی از نظارت طبیعی محسوب می‌شود (Qaffari and et al. 2014: 7-8).

در جدول ۲، راهبردهای مرتبط با هرکدام از راهبردهای CPTED به منظور جلوگیری از وقوع جرم آورده شده است.

۳. معرفی و بررسی عرصه پژوهش

مرکز محله آخوند، یکی از مهم‌ترین فضاهای شهری بافت قدیم قزوین است. این مرکز محله، با هویت و قدمت تاریخی بسیار زیاد، نقش مهمی را در بطن بافت کهن قزوین و خصوصاً محله آخوند ایفا می‌کند، به گونه‌ای که این عرصه جمعی مرکز تعاملات و برخوردهای اجتماعی مردم و به خصوص ساکنان این محله و محلات همجوار می‌باشد. البته تعاملات اجتماعی شکل گرفته در بستر این مرکز محله، نسبت به گذشته قدری کمرنگ شده اما هنوز هم نماد هویت اجتماعی و فرهنگی گذشتگان است.

در سطح محدوده طرح مطالعات اجتماعی مفصلی در قالب پرسشنامه‌های اجتماعی صورت گرفته است. نتایج زیر حاصل این پرسشنامه‌ها و صحبت‌های اهالی محله آخوند پیرامون مسائل اجتماعی و فرهنگی محدوده می‌باشد: در بعضی نقاط محدوده ناهنجاری‌های اجتماعی (ناامنی، اعتیاد، مزاحمت و ...) وجود دارد، نزدیک به ۲۶ درصد از خانواده‌ها، ناامنی و ناهنجاری‌های اجتماعی موجود در سطح محدوده را عمده‌ترین مشکل محدوده طرح می‌دانند و خواستار حل این مشکلات از سوی نهادهای مربوطه می‌باشند.

امام‌زاده سید محمد عامل اصلی تعلق خاطر ساکنان به محله می‌باشد و بر روی رفتارهای اجتماعی و فرهنگی ساکنان تأثیرات انکارناپذیر دارد و مرکز محله آخوند، در مجاورت امام‌زاده، مرکز تعاملات اجتماعی بسیاری از ساکنان است.

بنا بر موارد فوق چنین می‌توان استنباط کرد که باوجود انسجام اجتماعی نسبتاً بالا در میان ساکنان محدوده و بومی بودن اغلب آنها، بنا به دلایل قابل بررسی، هویت اجتماعی و فرهنگی ساکنان محدوده در حال کمرنگ شدن می‌باشد. همچنین این محدوده شاهد رشد روزافزون ناهنجاری‌های اجتماعی متفاوتی است که گاه این ناهنجاری‌ها، به نارضایتی بیشتر ساکنان محدوده دامن می‌زند و انگیزه لازم برای ادامه سکونت آنها را از بین می‌برد. بنابراین یکی از مهم‌ترین اهداف پروژه، احیای فرهنگ و هویت اجتماعی از دست رفته این محدوده می‌باشد (Qazvin renovation & reformer organization, 2012).

۳.۱. بررسی وضعیت کنونی مرکز محله آخوند با استناد به راهبردهای CPTED

همان‌طور که در بخش‌های قبلی بحث شد، راهبردهای رویکرد

جدول ۲: مهم‌ترین راهبردهای نگرش پیشگیری بزهکاری از طریق طراحی محیطی

Source: The authors based on Kalantari and et al (2010) and Gaffari and et al (2014)

راهبردها	مهمترین راهبردهای نگرش پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی محیطی
نظارت (مراقبت) طبیعی	<ul style="list-style-type: none"> - طراحی مناسب فضاهای کالبدی و ساختمان‌ها. - ساماندهی نحوه فعالیت و زندگی مردم درون فضاهای شهری. - تعیین حدود فضاهای عمومی و خصوصی در ساختمان‌ها. - اجتناب از طراحی منظر به صورتی که نقاط کور یا مکان‌های مخفی از دید ایجاد کند. - اجتناب از کاشت درختان در مقابل دریا پنجره خانه‌ها و یا استفاده از ابزارهای امنیتی چون چراغ‌های روشنایی خیابان، دوربین‌های مدار بسته و ...
کنترل دسترسی‌ها	<ul style="list-style-type: none"> - استفاده از ورودی مشخص، واضح و تعریف شده در یک ساختمان. - استفاده از سازوکاری که افراد را به نواحی پذیرش راهنمایی و هدایت کند. - تعیین حریم فضاها با نرده‌کشی پنجره‌ها. - حذف دسترسی‌های عمومی به پشت بام یا طبقات بالایی مجتمع‌های مسکونی. - حد و مرزگذاری برای حریم خانه‌ها. - قرار دادن قفل و بست و چفت مناسب برای درها و بخش‌های مختلف یک ساختمان. - توجه در مکانیابی کاشت درختان به گونه‌ای که فرصت بالا رفتن از درختان و نفوذ به ساختمان‌ها و خانه‌ها وجود نداشته باشد.
تقویت قلمروگرایی	<ul style="list-style-type: none"> - اعمال دید مالکانه به گونه‌ای که احساس حضور و فعالیت مرز در ملک را بیان کند. - انجام اقداماتی چون درختکاری و محوطه‌سازی به گونه‌ای که نشان از حضور و مالکیت باشد. - انجام فعالیت‌های مشخصی که نواحی مالکیت خصوصی را در یک مجتمع مسکونی تقویت نماید. - اقداماتی چون فنس کشی، علامت‌گذاری، نورپردازی، مهرسازی و ایجاد مسیر پیاده در فضاهای مسکونی به گونه‌ای که بیانگر حدود مالکیت‌های عمومی، نیمه عمومی و خصوصی باشد. - قرار دادن علائم هشدار ایمنی در نقاط دسترسی (علامت دزدگیر و ...) به ساختمان. - برنامه‌ریزی برای فعالیت در محیط‌های مشترک به گونه‌ای که با جذب بیشتر مردم به این محیط‌ها کنترل نواحی به وسیله مالکان و استفاده‌کنندگان از ساختمان میسر شود. - وضوح تفکیک هریک از کاربری‌ها.
مراقبت و نگهداری	<ul style="list-style-type: none"> - اعمال اقدامات مؤثر توسط مالک بر فضای تحت قلمرو خود مانند ترمیم و تعمیر قسمت‌های آسیب دیده. - تعمیر و نگهداری تجهیزات شهری مانند تابلوها و علائم ارتباطی و زدودن آشغال‌ها و زواید از محیط و مدیریت مناسب سطوح‌های زباله. - روشنایی مناسب برای فضاهای پارکینگ و پیاده‌روها. - طراحی منظر مجموعه به منظور افزایش دید و نظارت عمومی. - قراردادی مبلمان‌هایی برای نشستن در طول مسیرها و حضور افراد در فضا. - استفاده از مبلمان شهری زیبا و متناسب با مناطق مسکونی (به خصوص برای افراد کم درآمد) با هدف کاهش اقداماتی چون تخریب‌گرایی.

جدول ۳: نمونه‌های موردی داخلی و خارجی.

عنوان پروژه	پژوهندگان	تاریخ پژوهش	عرصه مورد بررسی	نتایج
نمونه‌های خارجی	Macarena Rau Vargas Architect, University of Chile and ICA Vice Chair	2012	San Luis de potou, Mexico	تقویت ارتباطات اجتماعی در پهنه‌های در معرض دید و تحقق نظارت طبیعی بر محیط از طریق ایجاد یک سیستم پیاده امن. این سیستم دارای ویژگی‌هایی چون مسیرهای امن، محورهای حمل‌ونقل با پیاده‌روهای جدید، نورپردازی، اطلاعات محیطی و ... است.
			PENRITH Jane Street Car Park	تعریف ساختاری جدید از «مرکز توسعه محله» برای این سیستم پیاده. تعریف یک مسیر امن پیاده از داخل مناطق مرکزی «مرکز توسعه محله» و همسایگی‌های پیرامون.
نمونه‌های داخلی	Sahar Yaghmayi and Arash Baghdadi			دسترسی راحت و جابه‌جایی: - ایجاد خوانایی در مسیر. - ایجاد یک سلسله مراتب دسترسی. - جهت‌یابی آسان از طریق مجموعه‌ای از علائم و نشانه‌ها. - ایجاد پارکینگ مناسب.
			Nemaat Abad District Neighborhood, District 19 of Tehran Municipality	ایجاد ساختار فضایی مناسب: - اعمال کاربری اراضی مناسب. - حذف گوشه‌های پنهان و زوایای فضا. - خلق سکانس‌های متنوع. - هماهنگی فرم و عملکرد ساختمان‌ها. افزایش نظارت بر فضا - پارکینگ‌ها باید کاملاً در معرض دید باشند و امن. - روشنایی کافی فضا. - حذف زیرگذرها و روگذرها در صورت امکان. - گیاهان و بوته‌ها نباید مانع دید شوند.

CPTED، نظارت طبیعی، کنترل طبیعی دسترسی‌ها، تقویت قلمروگرایی و مراقبت و نگهداری می‌باشد. در این بخش به بررسی وضعیت کنونی مرکز محله آخوند با توجه به راهبردهای رویکرد CPTED پرداخته شده است.

پس از مشاهدات میدانی که در مرکز محله آخوند انجام شد، نکاتی در مورد راهبردهای رویکرد CPTED مورد مذاقه قرار گرفت. با توجه به راهبردهای نظارت طبیعی رویکرد CPTED، موارد زیر مشاهده گردید (تصویر شماره ۴).



تصویر ۴: پنجره‌های شکسته و فضاهایی با اختلاف سطح در مرکز محله

- عدم وجود روشنایی کافی و مناسب در فضا.
- وجود پنجره‌های شکسته که فضا را مستعد جرم می‌کند (تئوری اسکار نیومن).

- وجود فضاهایی با اختلاف سطح زیاد به سمت داخل زمین (به عنوان مکانی برای پاتوق کردن) (ایجاد فضاهای جرم خیز).

- فقدان کاربری‌های شبانه‌روزی.
- موارد زیر با توجه به راهبردهای کنترل طبیعی دسترسی‌ها مشاهده گردید:

- وجود معابری با عرض کم، تاریک و ناخوانا.
- فقدان تعریف مناسب دسترسی پیاده از معابر منتهی به مرکز محله و همچنین در خود آن به دلیل کف‌سازی نامناسب.

- دسترسی سواره به مرکز محله و تبدیل آن به محلی برای پارک خودروهای ساکنان (تصویر ۵).

در مورد راهبرد تقویت قلمروگرایی فقدان سلسله‌مراتب فضایی و مشخص نبودن شعاع قلمرو فضایی و در مورد راهبرد مراقبت و نگهداری نیز، عدم حضور مثبت و فعال شهروندان در فضای مرکز محله با توجه به مشاهدات میدانی و نبود حس تعلق به فضا با استناد به پژوهش‌های صورت گرفته در این محله تبیین گردید (تصویر ۶).



تصویر ۵: دسترسی‌های نامناسب منتهی به مرکز محله و تبدیل آن به پارکینگ



تصویر ۶: نقشه فعالیت‌ها در مرکز محله

بی‌انگیزگی ساکنان برای مراقبت و نگهداری از مرکز محله خود می‌شود؛ به این دلیل که آنها از این فضا صرفاً برای فعالیت‌های اجباری خود استفاده می‌کنند و مدت زمانی که برای فعالیت‌های اختیاری که بیشترین تأثیر در ارتقای حس تعلق ساکنان به مکان زندگی‌شان و در نتیجه انگیزه برای مراقبت از آن دارد را در مکان دیگری سپری می‌کنند. همچنین در نحوه اتصال دسترسی‌ها به مرکز محله، نظاره‌گر طراحی خاصی در راستای ارتقای امنیت روانی

کمترین توجه در به کارگیری راهبردهای رویکرد CPTED در بازطراحی مرکز محله آخوند، مربوط به راهبرد نظارت طبیعی است. این بی‌توجهی هم در طراحی فضای جمعی محله که می‌توانست نقش مهمی در ترغیب ساکنان به حضور در آن و در پی آن ارتقای امنیت ایفا کند و هم در فعالیت‌های در نظر گرفته شده برای آن که سختی با فعالیت‌های سازگار برای یک مرکز محله ندارد، دیده می‌شود. عدم توجه به راهبردهای نظارت طبیعی منجر به

و قلمروگرایی نیستیم.

۴. ارائه راهکار

در بخش قبل، وضعیت کنونی مرکز محله به لحاظ میزان رعایت راهبردهای رویکرد CPTED در بازطراحی آن بررسی گردید. در این بخش راهبردها، سیاست‌ها و راه‌حل‌های اجرایی پیشنهادی برای مرکز محله با استناد به راهبردهای این رویکرد بیان می‌شود. همان‌طور که گفته شد، نظارت طبیعی ضعیف‌ترین راهبرد نام گرفت و در راستای تقویت آن می‌توان راهکارهای زیر را پیاده‌سازی کرد:

- ایجاد فعالیت‌های شبانه و کاربری‌های فعال در شب.
- اختلاط کاربری‌ها و ایجاد کاربری‌های جاذب جمعیت مانند چایخانه و ...

- در نظر گرفتن فضایی برای بازی کودکان و جمع شدن جوانان.
- در نظر گرفتن نشیمن‌گاه‌های مناسب برای استراحت و حضور سالمندان در محیط.

- تدوین فعالیت‌های مشارکتی و جمعی.
- تأمین روشنایی مطلوب در معابر و مرکز محله.
- اصلاح اختلاف سطح‌های عمیق طراحی شده در فضا.

- طراحی بازشوها رو به فضای عمومی نیمه عمومی و نیمه خصوصی.
- حذف کنج‌های تداعی‌کننده جرم.

راهکارهای در نظر گرفته شده برای تقویت مراقبت و نگهداری به عنوان دومین راهبرد ضعیف در تحقق راهبردهایش به شرح زیر می‌باشد:

- در نظر گرفتن فضایی انعطاف‌پذیر برای برنامه‌ها و مراسم در مرکز محله برای ایجاد مشارکت عمومی و ایجاد حس تعلق در فضا.
- تأکید بر نشانه‌های محلی (امام‌زاده سلطان) برای تقویت هویت مکانی.

- ایجاد بستری در راستای تقویت مشارکت شهروندان و سهم کردن آنها در رویدادهای شهری.

راهکارهایی در راستای بهبود دسترسی‌ها:
- طراحی کف‌سازی متناسب با روحیه مرکز محله و ایجاد تباين متناسب در آن.

- تعریف دسترسی پیاده مناسب در مرکز محله.
- تعریف نمودن ورودی‌ها و محدود کردن عرض معابر.
- اصلاح دسترسی‌های پریپیچ و خم.

راهبردهای در نظر گرفته شده برای تقویت قلمروگرایی:
- امکان استفاده از یک المان برای شاخص نمودن هویت و تعریف قلمرو فضایی.

- ایجاد سلسله مراتب فضایی برای مشخص‌تر شدن قلمروها و خوانایی آنها.

- مشخص کردن حریم محدوده توسط درخت المان خاص و تعریف ورودی‌های منتهی به مرکز محله.

- متمایز نمودن محدوده عمومی و خصوصی.

۵. نتیجه‌گیری

همان‌طور که گفته شد، امنیت یکی از پارامترهای تعیین‌کننده

در میزان حضور شهروندان در فضای شهری است و مورد استفاده قرار گرفتن فضاها توسط آنان بدون وجود امنیت به شدت کاهش می‌یابد. از آنجایی که مرکز محله قلب یک محله محسوب می‌شود، در شرایطی که خالی از حضور مؤثر اهالی محله باشد، مطلوبیت کل محله را خدشه‌دار می‌کند و در نتیجه محله با مشکلات عدیده‌ای چون عدم حس تعلق، بی‌هویتی و ... مواجه می‌شود.

رویکرد CPTED به عنوان رویکردی که می‌کوشد از طریق عوامل محیطی مانع از وقوع جرم شود، یکی از رویکردهای برقراری امنیت در فضاهای شهری است. این رویکرد چون به صورت غیرمستقیم راهکارهایی برای برقراری امنیت ارائه می‌دهد، در مقایسه با رویکردهایی که به صورت مستقیم سعی در برقراری امنیت دارند (مانند حضور پلیس)، کارایی بهتری در فضاهایی چون مرکز محله دارند.

هدف از گردآوری این مقاله، بررسی میزان وجود امنیت با توجه به راهبردهای رویکرد CPTED در مرکز محله آخوند است که همان‌طور که در متن توضیح داده شد، در بازطراحی آن به این راهبردها که منجر به تقویت امنیت در محله می‌شود (چه به صورت کالبدی و چه معنایی) توجهی نشده است. پس از مطالعات و مشاهدات میدانی مشخص گردید که ضعیف‌ترین آنها از لحاظ تحقق در بازطراحی محله، راهبرد نظارت طبیعی است که معلول چرخه‌ای معیوب می‌باشد؛ بدین ترتیب که نبود کاربری‌های مناسب در محله منجر به عدم حضور ساکنان می‌گردد و نبود آنها، مراقبت و نگهداری محله را تضعیف می‌کند و در نهایت نظارت طبیعی وجود نخواهد داشت. پس از این دو راهبرد، به ترتیب راهبردهایی که منتهی به تحقق راهبردهای دسترسی‌ها و قلمروگرایی می‌شود، ضعیف طراحی شده‌اند.

شهرسازی و معماری ایران در دهه‌های اخیر متأثر از شهرسازی و معماری غرب بوده و بیشتر محلات طراحی شده بدون توجه به ویژگی‌های بومی هر منطقه، منطبق با اصول غربی است. در نتیجه پیاده کردن راهبردهای رویکرد CPTED در این محلات به دلیل شباهت با اصول طراحی در خاستگاه این رویکرد کار دشواری نیست. اما محلات سنتی ایران مانند مرکز محله آخوند دارای ویژگی‌های منحصر به فردی می‌باشند که بازطراحی و انطباق آنها با رویکردهای جدید نیاز به دقت و مهارت دارد. درون‌گرایی یکی از ویژگی‌های شهرسازی و معماری سنتی در بیشتر شهرهای ایران است که شاهد این ویژگی در مرکز محله آخوند نیز می‌باشیم. درون‌گرایی مغایر با راهبرد نظارت طبیعی می‌باشد. برای ارتقای امنیت محله با توجه به رویکرد مورد نظر ضمن حفظ ویژگی‌های بومی محله، پیشنهاد می‌گردد که کاربری طبقه همکف خانه‌ها به کاربری تجاری اختصاص یابد که ضمن حفظ حریم خانه‌ها، نظارت به مرکز محله از طریق کاربری‌های تجاری صورت گیرد. از دیگر ویژگی‌ها، کوچه‌های باریک و پریپیچ و خم می‌باشد که البته این ویژگی منطبق بر نظر بعضی از نظریه‌پردازان این رویکرد می‌باشد، با این منطق که کوچه‌های پریپیچ و خم باعث ایجاد سلسله مراتب می‌شود و بر قلمروگرایی تأکید و از حضور غریبه‌ها در محله جلوگیری می‌کند. همچنین بر به کارگیری بن بست نیز تأکید

crimes with emphasis on C.P.T.E.D approach, Mohandesi e Sanae va Modireate Tolid, 19 time, No.6. [in Persian]

- Qazvin renovation & reformer organization, (2012). Landscaping the centre of Akhoond neighbourhood Retrieved December 4, 2014 from <http://behsazi.qazvin.ir/>. [in Persian]
- Salehi, E., (1999), Environmental specification of safe urban spaces, Tehran, Markaz e Motaleati va Tahghighati Shahrsazi va Memari. [in Persian]
- Soltani, A.& Namdarian, A.A., (2010), evaluation the effect of different forces in formation of urban space, Hoviatshahr, 4time, No.7, autumn. [in Persian]
- souri, E., (2010), A Review of Theoretical Controversy about Security and Crime, Armanshahr, No.2, spring-summer. [in Persian]
- Yaghmayi, Sahar and Baghdadi, Arash.(2014). Making Safety of Urban Spaces Using Crime Prevention through Environmental Design Approach (Case Study: Nemaat Abad District Neighborhood, District 19 of Tehran Municipality. MAGNT Research Report, 2(5), 243-253.

• هرم-سلسله مراتب-نیازهای-مازلو. <https://fa.wikipedia.org/>

شده است؛ زیرا مانع از فرار غریبه ها و مجرمان می شود. برای متمایز نمودن محدوده عمومی و خصوصی در نقطه اتصال دسترسی ها به مرکز محله، می توان از اختلاف سطح، درخت یا نرده استفاده کرد، در این صورت از یک سو دسترسی سواره به مرکز محله محدود و از سوی دیگر حریم ذهنی برای تفکیک این دو فضا ایجاد می گردد. با کمی تأمل در بازطراحی می توان ضمن حفظ ویژگی های بومی و اصیل یک محله که باعث هویت و تمایز آن می شود، رویکردهای جدیدی که منجر به ارتقای کیفیت زندگی و انطباق آن با شرایط زندگی کنونی می شود را نیز به کار گرفت.

References:

- Asadi Iraj (2004), Metropolitan Management, strategy 'regionalism in metropolitan areas Governance, Journal of Urban Management, No17, page 32-35. [in Persian]
- Carmona, M., Heath, T., Oc, T. & Tiesdell, S., (2009), Public Places, Urban Spaces: The Dimensions of Urban Design, translate: Qaraei, F., Shokoohi, M., Ahari, Z., Salehi, E., Tehran, Daneshgah e Honar e Tehran. [in Persian]
- Gaffari, A., Nematmehr, M.& Abdi, S., (2014). Evolution Process of Crime Prevention Through Environmental Design (CPTED) in Residential Areas, Maskan va Mohite Roosta, 32 times, No. 144, winter. [in Persian]
- Habibzadeh, M.J., Sharifi, M.& Sadeghi, y., (2012). Analysis of the Influence of Strategies of CPTED Theory on Crime Reduction (Case of Study: Tehran Main Squares), Motaleate Pishgiri az Jorme, No. 23, summer. [in Persian]
- Kalantari, M., Heidarian, M. & Mahmoodi, A., (2010), Urban Areas immunization against delinquency using crime prevention through environmental design strategies, Danesh e Entezami, 12 time, No.3, autumn. [in Persian]
- Newsletter ICA (International CPTED Association). (2012). CPTED IN MEXICO. Rau Vargas, Macarena.
- Parsi, H.R., (2002), Understanding the content of urban space, Honarha e Ziba, No.11, summer. [in Persian]
- PENRITH City Council.(2009-2010). Considerations For the Implementations of CPTED Projects.
- Pourjafar, M.R., Mahmoodinegad, H., Rafieian, M.& Ansari, M., (2009), promotion of environmental security and reduction of urban

